

# پیام

این پیام "حنیش" و پیغام آزادیخواهان ایران است در سخت ترین لحظات مبارزه علیه ظلم و استبداد خونخوار که با امضای علی اصغر حاج سیدجوادی به محافل آزادیخواه جهان مخابره شده است.



بیست و پنجسال پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با سقوط دولت قانونی دکتر مصدق بدست سازمان سیای آمریکا رژیم استبدادی کنونی مستقر شد و قانون اساسی ایران را پایمال کرد اکنون رژیم برای فرار از آثار مصیبت بار دیکتاتوری خود دست بکشتار سراسری در کلیه شهرهای ایران زده است.

وضع کنونی ایران را در این جمله معروف میتوان خلاصه کرد که آمدند و کشتند و سوختند و رفتند.

توطئه حکومت ایجاد وحشت و رعب از طریق کشتار و ایجاد خرابیها و آتش سوزیها و سپس سرکوبی همه جانبه مردم ایران به بهانه تامین نظم و برقراری آرامش است.

سانسور مطلق وسیله تحریف همه اخبار و حوادث از طرف حکومت است تنها یک کمیسیون بین المللی بیطرف میتواند تعداد کشته شدگان و زخمیها و مضر بین زندانیان را معین کند و از کیفیت شکنجهها و خشونت های وحشیانه مأمورین دولت نسبت به مردم بلاد دفاع ایران افکار عمومی جهان را مطلع نماید.

حکومت با استفاده از مطبوعات و رادیو و تلویزیون دمادم تخم وحشت و رعب در دل مردم میکارد گوشتی میخواهد همه را برای فرود آوردن ضربه نهائی یعنی برقراری کامل حکومت نظامی که در سراسر کشور روی کار آوردن یک دولت نظامی و کشتار و توقیف های دسته جمعی تازه آماده کند.

اینها حقایقی است که مردم جهان و محافل آزادیخواه بین المللی باید از آن آگاه شوند.

این مدارا بگوش مردم جهان برسانید. صدائی که شاید در آینه های نزدیک برای مدتی نامعلوم در چنگال دژخیمان استبداد خاموش شود.

علی اصغر حاج سیدجوادی

۱۳۵۴/۵/۳۰

شماره ۸ (فوق العاده)

## فاجعه آبادان

# حنیش

### فرمان وحشت بزرگ را کی صادر کرد؟

دو روز بعد از مصاحبه پادشاه و مقایسه بین تمدن بزرگ رژیم که محصولی جز قتل و فساد و دزدی در ۲۵ سال اخیر نداشته است با وحشت بزرگ از طرف شاه، برنامه وحشت بزرگ با فاجعه سینما رگس آبادان و قتل ۳۷۷ نفر انسان بیگناه اجرا شد.

اما سوزاننده ۳۷۷ انسان در یکجا بوسیله ایجاد حریق فقط اوج این وحشت بزرگ است. زیرا رژیم از ماه ها قبل با قتل عام های بزرگ به دست مأمورین مسلح خود در شیراز و اصفهان و قم و تبریز و قزوین و شهبور و یزد و زنجان و مشهد و جهرم و اردبیل و خرم آباد و اهواز و رفسنجان و سایر شهرهای ایران در پی ایجاد وحشت بزرگ است.

ایجاد وحشت در مردم عصبان زده و نا امید و ناراضی و معترض به فساد و خفقان از راه کشتار آنها در مساجد و کارخانه ها و دانشگاه ها و خیابانها و کوی های کارگری و آلونک نشین، از راه مضر کردن مردم و به زندان انداختن آنها از ماه ها قبل شروع شده است. جنایات رژیم در شیراز و اصفهان و قم و تبریز دست کمی از جنایت رئیس شهربانی آبادان در آتش زدن سینما رگس این شهر ندارد.

مردم ایران نه فقط برای ۳۷۰ هموطن بیگناه و سوخته خود در آبادان عزادارند بلکه برای برادران و خواهران قتل عام شده خود در شیراز و اصفهان و تبریز و قم و یزد و خرم آباد و شهبور و مشهد و جهرم و اهواز و سایر شهرها نیز ماتم زده اند. کشتار رژیم در شهرهای ایران ارقامی بسیار بالاتر از رقم فاجعه آبادان است.

رئیس شهربانی آبادان همان کسی است که اولین کشتار قتل را هدایت کرد و سپس با ارتقای رتبه و مقام به شهربانی آبادان منتقل شد. او کسی است که در سینما رگس آبادان را قفل کرد و ۳۷۷ انسان بیگناه را برای آفریدن وحشت بزرگ گه دستورات آن دو روز قبل صادر شده بود در آتش سوزاند.

صلای وحشت بزرگ را داریوش همایون وزیر اطلاعات آموزگار و فاشیست قدیمی در دستگاه های تبلیغاتی خود دمید و روزنامه ها و رادیو و تلویزیون رادزیب سانسور شدید ما موزین و احساسات مصنوعی در مردم کرد.

داریوش همایون نظیر مجیدی نوک دیگر رژیم در مصاحبه خود مردم را به برادر کشی دعوت کرد.

رئیس شهربانی آبادان و داریوش همایون باید بلا فاصله از کار معلق شده و برای محاکمه به دادگستری تحویل داده

شوند. جرم آنها جنایت آشکار و تحریک مردم به شورش است. روزنامه ها باید تا لغو کامل سانسور از طرف مردم تحریم شود.

اداره رادیو و تلویزیون باید به دست مردم سپرده شود.

دولت آموزگار باید از کار معلق شده و به سوء ولایت کامل این جنایات و آدم کشی ها را در دادگاه صالحه جواب دهد.

کسی که فرمان وحشت بزرگ و جنایتهای بزرگ و غارت های بزرگ - زندانیهای بزرگ و شکنجه های بزرگ را صادر می کند باید

در دادگاه ملت ایران به محاکمه کشیده شده و به مجازات

قانونی خود برسد.

حکومت مردم باید به دست مردم سپرده شود. کلیه بنیادهای استبداد و فساد و مزدوری بیگانگان که در حفاظت قانون حاکمیت

ملت را نابود کرده اند باید بحدود شونده. علی اصغر حاج سیدجوادی

رئیس شهربانی آبادان سرتیپ رزمی همان جنایتکاری که پس از جنایت قم درجه گرفت و به آبادان ماء مورشد بزرگترین دروغها را می آفریند و یکی پس از دیگری حاشا می کند.

آنچه از میان اخبار برمی آید این است که هر که در اولین لحظات حریق خواسته است به کمک مردم گرفتار ریشتا بدبه ضربه سنگی یا چوبی از یاد رآمده است.

عمال حکومت پس از چند روز دروغ پراکنی به این نتیجه رسیده اند که در مقابل مردم عقب نشینی کنند ولی دیگر دیر شده است.

باز آنچه در میان خبرهای خبرنگاران دیده می شود این که: از میان صدها مورد شهادت مردم و تناقض گوئی مقامات، چند نمونه را انتخاب کرده و از روزنامه ها بریده ایم که خود می خوانید و مقایسه می کنید.

عده ای فریاد می زنند و جمعی حتی می کوبند و زیر بار این ننگ نمی روند که یکسره دست از گرفتن حقایق بکشند فشا رزیا دم می شود، افکار عمومی مردم حقیقت را به سرعت درمی یابد که ایحادکننده این "وحشت بزرگ" در راه تهیه مقدمات یک کودتای نظامی و خفه کردن مردم چه کسانی هستند. حکومت در راه ایجاد افکار عمومی ساختگی موفق نمی شود. آبادان یکپارچه آتش شده است. مردم از شدت بغض خبرنگاران و فیلمبرداران را کتک می زنند و روزنامه ها را که تن به سانسور داده اند و علیه مردم چیزهایی نوشته اند، پاره می کنند و آتش می زنند مردم تمام شهرستانها بیای می خیزند و نام از عا ملین اصلی جنایت می برند دستگاه سانسور و وزارت اطلاعات سرگیجه می گیرد. بسیاری از حقایق در لابلای اخبار روزنامه ها از دست سانسور در می رود و منتشر می شود.

چهره کریمه دروغ و نیرنگ و تزویر حکومت خودکامه ایران در جریان فاجعه آبادان بیست و هفت روز همیشه نمودار شد.

از چهارشنبه ۲۵ مرداد ماه داریوش همایون وزیر فاشیست اطلاعات به روزنامه ها دستور می دهد حق ندارند هیچ خبری را بنویسند مگر اخبار خیرگزاری پارس را، جعفریان معلوم الحال به دست و پا می افتد تا هر چه بیشتر اخبار دروغ و ساختگی تحویل دهد.

فاجعه آبادان اتفاق می افتد تمام دستگاه سانسور به صف کشیده می شوند تا حقایق را قلب کنند و گناه را به گردن مردم بیندازند و ما مورین سانسور در اولین روز در هیئت تحریریه روزنامه های اطلاعات و کیهان و سایر روزنامه ها می روند تا خبرها را طوری تنظیم کنند که در میان مردم شکاف اندازند. خبرنگاران و روزنامه نگاران شریف

### کیهان

## رئیس شهربانی آبادان: ۱۰ متهم فاجعه دستگیر شدند

آبادان - سرتیپ رزمی رئیس شهربانی آبادان به خبرنگار کیهان گفت: بدنبال تلاش وسیع مأموران شهربانی برای شناسایی و دستگیر کردن عاملان آتشسوزی سینما رکس آبادان سرخهائی بدست آمده و حدود ۱۰ نفر دستگیر شده اند که امید می رود عاملان اصلی بودی شناسایی و دستگیر شوند.

وی افزود: آنچه مسلم است آتشسوزی بدست خرابکاران انجام شده که از عدم مدیریت صحیح سینما، نبودن کارکنان لایق و مسئول استفاده کرده و توانستند سینما را به آتش بکشانند.

رئیس شهربانی افزود: چند روز قبل از حادثه مقداری مواد منفجره از عدهای خرابکار که داخل کوچه های فرعی «لایب یک» احمدآباد قصد خرابکاری و آتش زدن مکانهای مورد نظر خود را داشتند دستگیر شدند همچنین ده نفر از دبیران آموزش و پرورش آبادان که دانش آموزان را تحریک به خرابکاری می کردند شناسایی و دستگیر شدند.

وجود داشت بلا استفاده ماند. بدنبال دستگیری قربان آستان پلنگی، حسن اکبری بوفعچی سینما نیز که کلید دوم درهای سینما نزد وی بود بوسیله مأمورین شهربانی دستگیر و تحت بازجویی قرار گرفت.

آبادان - خبرنگار آبدکان از دبیران این شهر را که گفته اداره آموزش و پرورش آبادان شده بود محرک حادثه سینما روز گذشته با حدود اطلاعاتی رکس آبادان هستند میویا خبر مربوط با دادست ۱۰ تن تکلیف کرده دبیران سرتیپ رزمی

آب ماشین ها - آتش نشانی که به محل حریق ترمیم شد آمده بودند به سرعت آستان تمام شد و برای برگردن حدود ۱۰ نفر از مأموران لاقبل بهیستاعت وقت صرف شده است.

میران روز شنبه ۳۱ مرداد

سینما رکس، حدود ۱۰۰ متر با شهربانی آبادان فاصله دارد.

خوابکاران سطح سینما رکس را با بنزین «اکتان زیاد» پوشاندند و ناگهان آتش تماشای چیان را به کام خود کشیدند

در یک لحظه بمب آتش را در گوشه سالن منفجر شد

رئیس شهربانی آبادان: در یک لحظه در سینما رکس بمب

محمد جعفرزاده یکی از کسانی که شاهد آتشسوزی سینما رکس بود به خبرنگاران اعزامی گفت: وقتی حریق شروع شد، من به همراه چند نفر از بچه های محل در پیاده رو روبروی سینما ایستاده بودیم.

دیدیم دارند به در میزنند و صدای فریاد به گوش می رسد، وقتی جلو را نگاه کردیم دیدیم که شعله های آتش که هنوز کاملاً زبانه نکشیده بود دارد سینما را دربر می گیرد و عدهای نیز از در ورودی سرعت بهرون دویدند. چند نفر که بهرون آمدند نفهمیدیم چطور شد که در بسته شد. در این لحظه ما جلو دویدیم. اما دیگر به کسی اجازه نزدیک شدن به سینما ندادند.

محمد زاده یکی دیگر از شهروندان فاجعه سینما رکس اظهار داشت: چون چند نفر از اعضای فامیل ما داخل سالن بودند، جلو رفتم تا آنها را نجات بدم. اما مانع شدند. وقتی بهوش آمدم دیدم چند نفر زیر دستها مرا گرفتارند. در همین موقع کیهان روز شنبه ۳۱